

حضور اقتصادی چین در آفریقا و زمینه‌های بروز رقابت با آمریکا

محمد جواد حسینی^۱، دکتر اردشیر سنائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳

چکیده

نخبگان چین با اشراف به تحولات ناشی از جهانی‌شدن، اولویت سیاستگذاری خود را بر ارتقای قدرت اقتصادی به‌عنوان محور قدرت ملی قرار داده که قاره آفریقا با برخورداری از ظرفیت‌های فراوانی همچون: وجود منابع غنی طبیعی، ذخایر قابل توجه انرژی، بازار یک میلیارد و دویست میلیون نفری و تعداد قابل توجه بازیگران دولتی مورد توجه آنان قرار گرفت. اهمیت سیاسی-امنیتی اقتصادی آفریقا به‌ویژه نگرانی از توسعه فعالیت‌های افراط‌گرایانه همراه با خشونت و وجود تهدیداتی همچون دزدی دریایی، قاچاق انسان، بحران‌های انسانی، منازعات مسلحانه و همچنین چالش‌هایی همچون تأثیرات مخرب بیماری اچ‌آی‌وی/ایدز سبب شد تا ایالات متحده آمریکا نیز راهبرد جدیدی را در قبال این قاره اتخاذ نماید. هدف از این مقاله بررسی فعالیت‌های چین و زمینه‌های بروز رقابت با آمریکا می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش: حضور اقتصادی چین در قاره آفریقا چه تأثیری بر منافع، اهداف و زمینه‌های فعالیت آمریکا در این قاره داشته است؟ فرضیه پژوهش عبارتست از: گسترش حضور چین در آفریقا در قرن جدید به همراه اولویت راهبردهای غیرنظامی هر دو طرف در این قاره، سبب آسیب‌پذیری و حساسیت دو سویه آمریکا و چین نسبت به سیاست‌های یکدیگر در این قاره شده و این امر واشنگتن و پکن را در مسیر همکاری و پرهیز از رقابت مخرب سوق داده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای - اسنادی بوده است.

واژه‌های کلیدی: چین، آفریقا، آمریکا، رقابت، منافع اقتصادی

^۱. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران.

^۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

نخبگان چین بعد از مائو، توسعه و رفتار اقتصادی را محور چشم‌انداز خود در تمامی ابعاد داخلی و خارجی قرار داده و از آن زمان تاکنون ضمن پابندی به این مسئله، رعایت الزامات دستیابی به این هدف را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند. در عرصه سیاست خارجی، چین مهم‌ترین الزام را وجود یک فضای صلح‌آمیز و همکاری‌جویانه می‌داند. به همین خاطر، چین چه در سیاست اعلامی و چه در سیاست اعمالی، خود را متعهد به کمک به ایجاد چنین فضایی می‌داند (موسوی شفاپی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹). از اواخر دهه ۱۹۷۰ روند مداوم اصلاحات چین سبب شد تا این کشور از وضعیت اقتصادی ناکارآمد به سبک اتحاد جماهیر شوروی فاصله گرفته و به سمت نظام پویای بازار محور نزدیک شود. در سال ۱۹۷۸ سهم تولید اقتصادی چین کمتر از ۲ درصد اقتصاد جهانی بود اما از دهه ۱۹۸۰ سیاست خارجی چین تحت مدیریت دنگ شیائوپینگ^۳، دو اصل اساسی را برای دستیابی به صلح و دوستی که هدف اصلی وی بود، دنبال نمود: ۱- حفظ یکپارچگی، حاکمیت و استقلال چین، ۲- ایجاد یک محیط بین‌المللی مطلوب، اصلاحات در چین، سیاست درهای باز و مدرنیزاسیون. دنگ شیائوپینگ برای تسهیل نوسازی اقتصادی، همکاری با جامعه بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داد و سبب شد تا چین حضور بین‌المللی اش را با افزایش مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی و غیر دولتی به‌ویژه سازمان‌های مالی گسترش داده و به تدریج از وضعیت انزوای دوران مائو خارج شود. چین سه دهه بعد از انقلابی که تقابل با نظام بین‌الملل را از اصول اساسی خود می‌دانست و پس از فراز و نشیب‌های فراوان در این زمینه، توجه بیشتر به مسئله اقتصاد و اصلاحات در عرصه‌های مختلف را با هدف تبدیل شدن به یک قدرت جهانی با محوریت قدرت اقتصادی آغاز کرد. این روند توانست در مدت زمان یک ربع قرن، چین را به یک مرکز قدرت اقتصادی تبدیل نماید و قاره آفریقا را به عنوان یکی از اهداف تحقق سیاست‌های مدنظرش انتخاب نماید.

۱. طرح مساله

قاره آفریقا با دربرگرفتن ۵۴ کشور، برخورداری از منابع غنی زیر زمینی همچون نفت و گاز، ذخایر معدنی، رشد و افزایش طبقه متوسط و حضور شش کشور از مجموع ۱۰ کشور دارای بیشترین رشد اقتصادی جهان در این قاره، دومین رتبه سریعترین رشد اقتصادهای جهانی را دارد. ویژگی‌های این منطقه، در کنار تعداد قابل توجه کشورهای آفریقایی

^۳. رهبر برجسته چین که از ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲ بر این کشور حکومت نمود و در دوران وی سیاست‌های درهای باز، اصلاحات، حد، آغاز شد. اک. حه د، سال ۱۹۸۹ جنبش دانشجویان چین را در میدان تیان آن من، به خاک و خون کشید اما مدرنیزه شدن کشاورزی، صنعت و ارتش چین از دستاوردهای دوران زمامداری وی محسوب می‌شود.

باعث گردیده تا ارتباطات سیاسی و اقتصادی با آن، از جذابیت های خاصی برای کشورهای مختلف جهان از جمله کشور چین و آمریکا برخوردار گردد. این کشورها با بکارگیری ابزارهای مختلف، نسبت به توسعه حضور و افزایش منافع سیاسی و اقتصادی شان در این منطقه اقدام نموده اند. در این مقاله با بهره گیری از نظریه وابستگی متقابل پیچیده و نظریه بازی به عنوان نظریه مکمل، به دنبال بررسی حضور اقتصادی چین در آفریقا و زمینه های رقابت با آمریکا می باشیم. سؤال اصلی پژوهش: حضور اقتصادی چین در قاره آفریقا چه تاثیری بر منافع، اهداف و زمینه های فعالیت آمریکا در این قاره داشته است؟ و فرضیه پژوهش عبارتست از: گسترش حضور چین در آفریقا در قرن جدید به همراه اولویت راهبردهای غیرنظامی هر دو طرف در این قاره، سبب آسیب پذیری و حساسیت دو سویه آمریکا و چین نسبت به سیاست های یکدیگر در این قاره شده و این امر واشنگتن و پکن را در مسیر همکاری و پرهیز از رقابت مخرب سوق داده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام و گردآوری داده ها نیز کتابخانه ای اسنادی بوده است.

۲. ادبیات پژوهش

کتابها و مقالات متعددی در ارتباط با حضور چین و آمریکا و تاثیرات آن بر تحولات قاره آفریقا به رشته تحریر درآمده اند که در ذیل به گزیده ای از مهمترین آنها اشاره می شود:

- کتاب "حضور جدید چین در آفریقا"^۴ نوشته مین پیترون دیجک سال ۲۰۰۹ با اشاره به حضور اقتصادی و سیاسی چشمگیر چین در آفریقا به ویژه در منطقه زیرصحرای طی دهه گذشته، عنوان می دارد که تلاش های غرب برای ارایه کمک به آفریقا با شکست مواجه شده است. در مقابل، چین روشهای نوینی را برای ارایه کمک به آفریقا و سرمایه گذاری به منظور مساعدت به توسعه قاره آفریقا بکار بسته است که می تواند به عنوان الگویی برای کشورهای غربی در نظر گرفته شود.

- کتاب "استراتژی اقتصادی چین در آفریقا و درسهای ناشی از آن" نوشته محمد علمی در سال ۱۳۷۸ که توسط سازمان توسعه و تجارت ایران به چاپ رسیده، تلاش نموده است تا حضور چین در آفریقا را از منظر تجاری و تلاش های این کشور برای کسب عایدات اقتصادی مورد بررسی قرار دهد. این نوشته تلاش کرده است تا تجربیات چین در این قاره را به عنوان درسهایی برای کشورهای دیگر که علاقمند به حضور در قاره آفریقا می باشند، ارایه نماید.

- کتاب "آفریقا در سیاست بین الملل" نوشته ایان تیلور و پائول ویلیامز ترجمه احمد بخشی در سال ۱۳۸۸ به بررسی جایگاه این قاره در نظام بین المللی و حضور بازیگرانی همچون چین، آمریکا، انگلیس، فرانسه، ژاپن، کانادا و... در این قاره به موازات روابط نهادهای مالی بین المللی با آفریقا می پردازد.

- مقاله "روابط آمریکا و چین: از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک" نوشته سید محمد کشمیری در سال ۱۳۹۳، به بررسی روابط این دو کشور پس از جنگ سرد پرداخته و تلاش نموده تا نشان دهد ظهور چین در جایگاه ابرقدرتی، پیامدهای عمده‌ای برای مناطق نیمه‌پیرامونی یا پیرامونی در جهان همانند آفریقا دربرخواهد داشت.

- کتاب "آیا آفریقا چین را تغذیه می نماید؟"^۵ نوشته دבורا بروتیگام سال ۲۰۱۵ با طرح این سؤال که آیا چین به دنبال ایجاد یک امپراتوری در آفریقا می باشد؟ عنوان می دارد که این کشور با در اختیار داشتن ۹ درصد از زمین های قابل زراعت جهان، درصدد است تا با در اختیار گرفتن زمینها و منابع آبی عظیم آفریقا، امنیت غذایی خود را تامین نماید.

موضوعی که در بررسی ادبیات مذکور به چشم می خورد، جای خالی تحولات جاری حضور چین و آمریکا در قاره آفریقا می باشد که این امر ناشی از سرعت تحولات این قاره می باشد. در این پژوهش تلاش شده تا با دقت و حساسیت لازم نسبت به شناسایی ابتکارها و برنامه های تعریف شده در قالب راهبردهای تعریف شده دو کشور اقدام شده تا از این طریق بتوان تحلیل به روزتر و جامع تری نسبت به آنچه موجود است ارائه گردد.

۳. چارچوب نظری: نظریه وابستگی متقابل و نظریه بازی

با توجه به موضوع پژوهش و شرایط فعالیتهای چین و آمریکا در آفریقا که دارای جنبه های همکاری و رقابت می باشد، تلاش گردیده تا در کنار نظریه وابستگی متقابل پیچیده، از نظریه دیگری جهت توضیح و تبیین بهتر تعاملات موجود در این قاره بهره گرفته شود که در این راستا، "نظریه بازی" انتخاب گردید. نقطه آغازین بحث های علمی مربوط به وابستگی متقابل به دوره پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد که فناوری در میان دولتها یک نوع رابطه متقابل ایجاد کرده و دنیا کوچکتر شد. بدین ترتیب عوامل تکنولوژیکی، نظامی و اقتصادی حتی در میان دشمنان دیروزی، نوعی وابستگی متقابل و روابط متداخل به وجود آورد (Rosecrance and Stein, 1973:2). در این دوره، پس از فروکش کردن دسته بندی های ناشی از جنگ سرد، مسائل جدیدی خصوصاً مسائل اقتصادی، رنگ سیاسی به خود گرفتند. کوهن و نای در دهه ۱۹۷۰ کوشیدند با طرح نگرش‌هایی نو، نشان دهند قالب فکری واقع‌گرایی تنها قالبی نیست که بتوان روابط بین‌الملل را براساس آن توضیح داد. آنان با به چالش کشیدن رئالیسم و مفاهیم بنیادین آن کوشیدند تا با طرح مفهوم و چارچوب نظری وابستگی متقابل شیوه متفاوتی را برای فهم روابط بین‌الملل مطرح سازند. آنها معتقد بودند جهان در

معرض دگرگونی بنیادی قرار گرفته و در جریان این دگرگونی، قاعده تعارض و تضارب و رویارویی مبتنی بر تخصص برای قدرت بیشتر، جای خود را به وابستگی متقابل و همکاری می‌دهد. بنابراین دولت - ملت‌ها به تدریج رقبا و بازیگران بین‌المللی جدیدی را در کنار خود می‌یابند و بدین‌گونه هم بازیگران جهانی و هم قاعده رفتار آنها دگرگون می‌شود. به نظر آنان رئالیسم در دنیای وابستگی متقابل برای توضیح روابط بین‌الملل بسیار محدود و ناکارآمد است اما در دنیای وابستگی متقابل شرایط کاملاً متفاوت است. در این شرایط بازیگران مهمی به جز دولت - ملت‌ها وجود دارند. قدرت نظامی و اعمال زور تنها ابزار مفید، سودمند و اثرگذار در عرصه روابط بین‌الملل نیست و تأثیر و اهمیت خود را روز به روز بیشتر از دست می‌دهد و نظام سلسله مراتبی به‌گونه‌ای که رئالیسم بر آن اصرار دارد، رنگ می‌بازد. در این شرایط منابع موجود در عرصه جهانی توزیع شده و همکاری داوطلبانه جایگزین تعارض و مخاصمه می‌شود (Keohane and Nye, 1977: 5-35). در واقع، مدل وابستگی متقابل گامی به جلو برای شناخت پدیده‌های جهانی فراتر از تعاملات دولت‌ها محسوب می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۹۴۲). نای و کوهن نظریه خود را با طرح مفهوم وابستگی متقابل پیچیده^۶ که از نظر ایشان یک نوع آرمانی در مقابل نوع آرمانی واقع‌گرایی یعنی منازعه دایمی برای افزایش برتری است، تکامل بخشیدند. از نظر کوهن و نای وابستگی متقابل پیچیده سه ویژگی اساسی دارد (حسین سلیمی، ۱۳۸۴: ۶۵): ۱) وجود مجاری چندگانه ارتباطی مانند نخبگان، سازمان‌های فراملی (۲) اهمیت یافتن موضوعات غیرنظامی (۳) عدم توسل به نیروی نظامی.

"نظریه بازی" در سال ۱۹۲۱ توسط یک ریاضی‌دان فرانسوی به نام امیل برل^۷ که برای نخستین بار به مطالعه تعدادی از بازیهای رایج پرداخت مطرح شد اما در سال ۱۹۲۸ توسط "جان وون نیومن"^۸ ریاضی‌دان مجارستانی و "اسکار مورگنسترن"^۹ اقتصاددان اتریشی، بطور رسمی پا به عرصه وجود نهاد. طبق این نظریه، قواعد حاکم بر رفتار کشورها در عرصه بین‌المللی از قواعد بازی‌ها پیروی کرده و هر بازیگر سعی دارد تا به شکلی عاقلانه، بیشترین و بهترین نتیجه دلخواه را در جهت تأمین منافع ملی کشورش به دست آورد. این نظریه شکل تخصصی و ریاضی شده مدل بازیگر خردمند به عنوان یک تصمیم‌گیرنده است و بر نوعی استدلال انتزاعی حاصل تلفیق ریاضیات و منطق استوار می‌باشد. تقریباً تمامی نظریه پردازان بازی بر این عقیده اند که نظریه مورد استفاده آنها متوجه شیوه رفتار بالفعل

6. Complex Interdependence

7. Emile Borel

8. John Von Neumann

9. Oscar Morgen-Stern

افراد در وضعیت های منازعاتی نیست بلکه بر رفتار موسوم به رفتار «صحیح عقلایی» در وضعیت های منازعه آمیزی ناظر است که طی آنها شرکت کنندگان در منازعه سعی در «بردن» دارند. افراد می توانند در موقعیت های منازعاتی، به نحو غیر عقلایی و هیجانی عمل کنند ولی نظریه پردازان بازی معتقدند افرادی که در بازی شرکت می کنند با محاسبه گرای عقلانی و با حدس زدن اقدامات طرف مقابل، عمل کرده و سعی می کنند از طرف مقابل امتیاز کسب کنند. این نظریه به نوعی نظریه مکمل برای نظریه وابستگی متقابل در نظر گرفته می شود، زیرا بازیگرانی که در تعاملات مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در یک حوزه جغرافیایی می باشند، دارای یک وابستگی متقابل درونی هستند که سبب می شود تا در انتخاب سیاستهای خود نسبت به در نظر گرفتن رفتارهای بازیگر رقیب اقدام نمایند. در واقع، فهم پیچیدگی تعاملات مختلف که در آنها میان نحوه تصمیم گیری و چگونگی دستیابی به اهداف در میان بازیگران نوعی وابستگی متقابل وجود دارد، مبنای شکل گیری نظریه بازی شده است.

۴. راهبرد چین در قاره آفریقا

روابط فعلی چین با آفریقا در جریان سفر ژو انلای^{۱۰} نخست وزیر وقت چین به ده کشور آفریقایی در فاصله زمانی دسامبر ۱۹۶۳ تا فوریه ۱۹۶۴ پایه ریزی شد. وی در این سفر "اصول پنج گانه حاکم بر توسعه روابط با کشورهای عربی و آفریقایی" و "اصول هشت گانه کمک اقتصادی و همکاری فنی با سایر کشورها" را سبب تقویت روابط رو به جلوی چین-آفریقا عنوان نمود (Ting'en & Kunyuan, 1995:675-676). این دو سند، اصولی را بر مبنای "اصول پنج گانه همزیستی مسالمت آمیز" پی ریزی نمودند که "برابری، منافع متقابل و عدم مداخله" بر روابط فیما بین حاکم خواهد گردید (United Nations, 1958:57-81). سیاست چین در قبال ملل آفریقایی طی سالهای اخیر فعالتر شده است زیرا این قاره به دلیل برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، از نگرانی چین درخصوص وابستگی به منابع بسیار کمیاب انرژی کاسته و همین امر سبب شده تا شرکتهای چینی در مقایسه با شرکتهای چند ملیتی غربی، از آمادگی بیشتری برای مواجهه با خطرات سیاسی موجود در کشورهای آفریقایی برخوردار باشند. از طرف دیگر، چین به دنبال پیدا کردن دوستان جدید و اعمال نفوذ جهانی برای منزوی ساختن تایوان بوده تا بتواند به شکل یک قدرت بزرگ ظاهر شود. راهبرد آفریقایی چین دارای پنج عنصر می باشد: اول، چین یک قدرت جهانی متفاوت و کشوری در حال توسعه می باشد که نیازهای توسعه ای آفریقا را درک می کند و از امکانات خوبی نیز برای حمایت از آفریقا در مذاکرات تجاری بین المللی برخوردار می باشد. دوم، چین با ملتهای آفریقایی که ارتباطات بین المللی قابل توجهی ندارند یا آنهایی که در حال حاضر از جهان

¹⁰. Zhou Enlai

منزوی شده اند همانند سودان، زیمبابوه و لیبیا که یا مطرود بین المللی هستند یا در حال پشت سر گذاشتن دوره پس از جنگ داخلی می باشند، روابط خوبی را برقرار کرده است. سوم، روابط چین - آفریقا یک روابط برد - برد می باشد و به تشویق و ترویج این پیام در روابط دوجانبه با کشورهای آفریقایی و در درون سازمانهای منطقه ای آفریقایی می پردازد. چهارم، چین در سیاستهای داخلی کشورهای آفریقایی مداخله نمی کند. پنجم، دیپلمات ها و رهبران چینی بیشتر از دیپلمات های آمریکایی و فرانسوی، به آفریقا سفر نموده تا روابط خود را با این کشورها ارتقاء دهند.

۴-۱- ابزارهای چین برای پیشبرد راهبرد آفریقایی

رشد چشمگیر حضور اقتصادی چین در آفریقا شامل: تجارت، سرمایه گذاری و اعطای کمکهای مالی و آموزشی باعث جلب توجه جهان و بروز مباحث جدی در ارتباط با این پدیده شده است. مشوق های اقتصادی، نهادهای داخلی و بین المللی، و ملاحظات سیاسی از جمله عواملی هستند که نقش مهمی را در کمک به رشد روابط اقتصادی بین چین و آفریقا از دهه ۱۹۹۰ تاکنون ایفاء کرده اند (Leblond and Han, Ruor, 2013). در همین راستا، ابزارهای چین برای پیشبرد راهبرد آفریقایی اش به شرح ذیل ارائه می گردند:

۴-۱-۱- ارایه مدلی موفق از توسعه

برای بسیاری از کشورهای جهان، رشد سریع اقتصادی چین تبدیل به یک نمونه مطلوب شده و به همین دلیل، نگاه دولت های آفریقایی به چین نیز به عنوان کشوری برای فراهم کردن زمینه های شناسایی رسمی و اعطای مشروعیت سیاسی و همچنین کمک به توسعه اقتصادیشان از طریق: اعطای کمک مالی، سرمایه گذاری، توسعه زیرساخت ها و تجارت می باشد. از آنجایی که رهبران مستبد آفریقایی به دنبال حفظ قدرت و کنترل بر کشورشان از طریق اعمال ساز و کارهای بازار برای کاهش فقر می باشند (Laughlin and Truscott, CSMonitor, 2005) امیدوارند که چین در مسیری با آن ها وارد تعامل شوند که آمریکا و سایر دولتهای غربی وارد نمی شوند. مانند مشارکت اقتصادی بدون توصیه به اجرای حکمرانی مطلوب، و یا سرمایه گذاری در پروژه های با ریسک بالا و یا در مناطق دور افتاده ای که برای شرکتها و دولتهای غربی چندان جذاب نیستند. آفریقایی ها خواهان استمرار گسترش اقتصادی چین هستند و باور دارند که ملت های آن ها می توانند از تجارب اخیر چین در خروج از فقر منتفع شوند (Hanauer and Morris, Rand, 2013).

۴-۱-۲- اعطای کمک های خارجی

دولت چین از ابزارهای متفاوتی مانند اعطای کمک های خارجی برای اجرای راهبرد آفریقایی خود بهره می گیرد. این کشور هشت نوع کمک خارجی شامل: تکمیل طرح ها، ارسال کالاها و مواد، همکاری فنی، همکاری در زمینه

توسعه منابع انسانی، ارایه کمکهای بهداشتی، ارایه کمکهای اضطراری بشردوستانه، اجرای برنامه های داوطلبانه و بخشش دیون را بطور رسمی در دستورکار خود قرار داده است (Xinhua News Agency, April 21, 2011).

۳-۱-۴- بهره گیری از جنبه های مختلف قدرت نرم

منابع قدرت نرم چین، فرهنگ، ایدئولوژی سیاسی و دیپلماسی می باشند که بطور فزاینده ای به عنوان عناصر اساسی جایگاه قدرت برتر را تشکیل می دهند (Gill & Huang, 2006:17) و عناصر این قدرت نرم عبارتند از:

۴-۱-۳-۱- دیپلماسی رفت و آمد مقامات سیاسی: انجام سفر رهبران چینی به آفریقا روشی است که چین از این طریق به تحکیم روابطش با دولتهای آفریقایی می پردازد. این سفرها به کشورهای آفریقایی دارای منابع انرژی محدود نشده بلکه به کشورهایی نظیر سیشل، آفریقای مرکزی و ماداگاسکار نیز صورت گرفته که هیچکدام از آنها در لیست مقاصد مقامات ارشد غربی و آمریکایی نبوده اند. تاثیر سفرهای مقامات بلند پایه به ویژه به کشورهای کوچکتر آفریقا که توجه کمتری به آنها در سطح جهانی می شود، در شکل دهی به ادراک و شراکت آنها بسیار چشمگیر بوده است. دیوید شین^{۱۱} خاطر نشان می سازد پکن از طریق (افزایش) نمایندگی های سیاسی اش در آفریقا، حضور بیشتری نسبت به آمریکا در این قاره دارد (Shinn, Carnegieendowment, 2009).

۴-۱-۳-۲- دیپلماسی فرهنگی: دولت چین در راستای افزایش آگاهی کشورهای آفریقایی نسبت به این کشور، آموزش زبان و فرهنگی چینی و اعطای بورسیه های تحصیلی به دانشجویان ممتاز آفریقایی برای تحصیل در دانشگاه های چین را در دستورکار قرار داده است. ایجاد و افزایش مراکز موسسه کنفوسیوس در قاره آفریقا به موازات اجرای برنامه های مختلف فرهنگی، نشان از توجه ویژه دولت چین برای جذب قلوب و ذهن نخبگان آفریقایی دارد.

۴-۱-۳-۳- دیپلماسی رسانه ای: در راستای جلب توجهات کشورهای آفریقایی به فعالیتهای چین در این قاره، این کشور اولین اقدام عملی را در راستای راهبرد توسعه حضور رسانه ای در قاره آفریقا در سال ۲۰۰۶ با انتقال دفتر منطقه ای خبرگزاری دولتی شینهوا از پاریس به نایروبی انجام داد. در ادامه این روند، سایر نهادهای رسانه ای چین همچون تلویزیون دولتی، روزنامه چاینا دیلی و... نیز وارد عرصه فعالیت های رسانه ای این قاره شده اند.

۴-۱-۳-۴- دیپلماسی بهداشتی: برای اولین بار، چین در سال ۱۹۶۴ بنا به دعوت و درخواست حکومت الجزایر اقدام به استقرار تیم پزشکی در آن کشور نمود. در سال ۲۰۰۳ نیز ۸۶۰ نفر را در قالب ۳۵ تیم پزشکی به ۳۴ کشور آفریقایی اعزام نمود. پزشکان چینی بخشی از تیم های پزشکی موسوم به ایلیادو^{۱۲} بودند که مدت زمان دو سال در کشورهای آفریقایی

^{۱۱} David H. Shinn دیپلمات و استادیار دانشکده روابط بین المللی الیوت در دانشگاه جورج واشنگتن می باشد.

اقامت می کردند. علاوه بر این، در ماه مه ۲۰۱۵ چهارمین "میزگرد بین المللی همکاری بهداشتی چین - آفریقا" در کشور بوتسوانا برگزار گردید که بسیاری از سازمان ها همچون "بنیاد گیتس"^{۱۳} و صندوق جهانی^{۱۴} نیز در این اجلاس مشارکت داشتند. در واقع، این اجلاس را می توان نقطه عطفی در دیپلماسی بهداشت چین در آفریقا که منجر به همکاری جدید این کشور با سازمان های بین المللی شود، محسوب نمود.

۴-۱-۴. سازوکار همکاری های چند جانبه

۴-۱-۴-۱. اجلاس مجمع همکاری چین - آفریقا (FOCAC):

جامع ترین تلاش دیپلماتیک چین در قبال آفریقا، ابتکار برگزاری اجلاس "مجمع همکاری چین - آفریقا"^{۱۵} می باشد که هر سه سال یک بار برگزار می شود. در واقع، ساز و کار در قالب همکاری جنوب - جنوب با هدف پیگیری موضوعات مورد علاقه بین چین و کشورهای آفریقایی می باشد (Zuma, Au, 2015). این ابتکار که در اکتبر ۲۰۰۰ آغاز بکار نمود، دربرگیرنده کمکها، توسعه اقتصادی، تجارت، سرمایه گذاری و شرکتهای سیاسی می باشد. در سومین اجلاس سران در سال ۲۰۰۶ در پکن که با حضور هیات های بلندپایه ای از ۴۸ کشور آفریقایی شامل ۴۱ نفر از سران دولتها برگزار شد، این کشور متعهد شد: روابط تجاری چین - آفریقا را با افزایش دو برابری، از ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ برساند، تعداد موارد مشمول صادرات بدون عوارض به چین از ۱۹۰ مورد به ۴۴۰ مورد افزایش پیدا کند، و "صندوق توسعه چین و آفریقا" با سرمایه ۵ میلیارد دلار جهت تشویق شرکتهای چینی برای سرمایه گذاری در آفریقا تاسیس شود. در پنجمین اجلاس در سال ۲۰۱۲ متعهد شد تا خط اعتباری اختصاص یافته به آفریقا را به ۲۰ میلیارد دلار (WITS Journalism, 2015) و در اجلاس سال ۲۰۱۸ نیز به ۶۰ میلیارد دلار افزایش دهد.

۴-۱-۴-۲. اجلاس مجمع صنعتی چین - آفریقا (CAIF):

"مجمع صنعتی چین - آفریقا"^{۱۶} از جمله ابتکاراتی است که در چارچوب مجمع همکاری چین - آفریقا شکل گرفت و هدف از برگزاری آن، ارتقای روابط چین و آفریقا در شماری از حوزه های مورد نظر همکاری و همچنین در زمینه توسعه می باشد. این مجمع، متعهد به انجام مبادلات صنعتی و همچنین افزایش همکاری بین چین و آفریقا در حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علوم و فناوری، گردشگری و سایر موارد می باشد. اولین و دومین اجلاس "مجمع

13. Gates Foundation

14. Global Fund

15. Forum On China- Africa Cooperation

16. China-Africa Industrial Forum(CAIF)

صنعتی چین-آفریقا" به ترتیب در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۹ و تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۱ در پکن برگزار شدند (China-Africa Cooperation Net, 2013). در جریان برگزاری سه اجلاس اول، بیش از ۳۰۰ قرارداد خرید بین چین و شرکتهای آفریقایی به ارزش بیش از ۱۳ میلیارد دلار به امضاء رسید (LI Gang, mofcom, 2015). در چهارمین اجلاس "مجمع صنعتی چین و آفریقا" که در ۱۰ و ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵ در پکن برگزار شد، آمار پیشرفت های صنعتی آفریقا، با هدف روشن ساختن وضعیت موجود و چشم انداز توسعه میزان صنعتی شدن کشورهای آفریقایی، و همچنین افزایش روند صنعتی سازی در آفریقا تهیه و ارائه گردید (China-Africa Cooperation Net, 2015).

۱-۴-۳- مجمع اتاق های فکر چین - آفریقا (CATTF):

مجمع اتاق های فکر چین - آفریقا^{۱۷} ابتکاری است که توسط دانشگاه ژيجیانگ نرمال^{۱۸} چین در سال ۲۰۱۱ با هدف ایجاد جایگاهی برای گفتگو و تبادل نظرات بین اندیشمندان چینی و آفریقایی پایه گذاری شد (Shaohui, Xinhuanet, 2015). این مجمع که بطور سالانه برگزار گردیده، به عنوان بخش مهم اجلاسهای "مجمع همکاری چین-آفریقا" محسوب می شود، از نهادهای نمودن گفتگوهای دانشگاهی بین متفکرین چینی و آفریقایی گرفته تا ارتقای روابط چین - آفریقا، به دنبال ترویج و تقویت حضور چین در آفریقا است. در واقع، این نهاد به دنبال شکل دهی به همکاری های اقتصادی و سیاسی چین - آفریقا بوده و نمونه آشکاری از تلاشهای روز افزون چین برای تقویت قدرت نرم و جستجوی نفوذ بیشتر در سطوح نخبگان این کشورها می باشد (Sun, Brookings, 2015).

۵- حضور ایالات متحده آمریکا در قاره آفریقا

موضوعات قاره آفریقا در طول تاریخ، چندان جنبه راهبردی برای آمریکا نداشته و حضور نظامی این کشور در آفریقا نیز به صورت پراکنده وجود داشته است. براساس اظهارات یکی از تحلیل گران دفاعی، "سیاست خارجی آمریکا در قبال آفریقای زیرصحرا در دوران جنگ سرد، کار خاصی را با آفریقا صورت نداده بود" (Lawson, 2007) و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز بسیاری از سیاستمداران آمریکایی توجه بسیار کمی به نقش نظامی و مسئولیت آمریکا در این قاره نمودند. در سال ۱۹۹۵ وزارت دفاع آمریکا با ارایه خطوط کلی نگاهش به آفریقا در قالب استراتژی امنیتی برای کشورهای آفریقای زیرصحرا عنوان کرد: "در نهایت امر، ما منافع راهبردی سنتی بسیار کمی را در آفریقا مشاهده می نمایم" (Ploch, state, 2008) اما در سال ۱۹۹۷ که بیل کلینتون به عنوان رئیس جمهور آمریکا برای اولین بار به منطقه آفریقای زیرصحرا سفر کرد، این قاره بطور رسمی در حوزه راهبرد سیاست خارجی این کشور قرار گرفت.

¹⁷ China-Africa Think Tanks Forum (CATTF)

¹⁸ Zhejiang Normal

۵-۱- اهمیت راهبردی آفریقا برای ایالات متحده آمریکا

روند روبه رشد اقتصادی کشورهای آفریقای زیرصحرای، مندرج در آمار منتشر شده صندوق بین المللی پول در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۱ مبنی بر حضور شش کشور منطقه آفریقای زیرصحرای در میان ۱۰ کشور دارای بیشترین رشد اقتصادی دنیا (Coons, thebarinetwork, 2013) به همراه توجه تحلیل گران و تصمیم گیران آمریکایی به اهمیت راهبردی آفریقا برای منافع آمریکا، سبب اتخاذ رهیافت جدیدی در قبال این منطقه از جهان گردید. این منافع شامل: اهمیت روز افزون منابع طبیعی به ویژه ذخایر انرژی، نگرانی از فعالیتهای افراط گرایانه همراه با خشونت و وجود تهدیداتی همچون دزدی دریایی و قاچاق انسان می باشند. علاوه بر این، نگرانی هایی در خصوص بسیاری از بحران های انسانی، منازعات مسلحانه و همچنین چالشهایی همچون تاثیرات مخرب بیماری اچ آی وی/ایدز وجود دارد. به دنبال حملات تروریستی سال ۱۹۹۸ به سفارت آمریکا در شرق آفریقا، این کشور اقدام به انجام حمله تلافی جویانه ای به یک کارخانه داروسازی در خارطوم پایتخت سودان کرد که تصور می رفت در حال تولید سلاح شیمیایی برای گروه القاعده می باشد. به اعتقاد بسیاری از تحلیل گران، این حمله نظامی نقطه عطفی در سیاست راهبردی آمریکا در قبال آفریقا محسوب می شود. در سال ۲۰۰۶ کنگره آمریکا مجوز انجام مطالعات امکان سنجی برای ایجاد یک "فرماندهی جدید برای آفریقا" با هدف تقویت عملیاتها و فعالیتهای جاری این کشور در این قاره تحت یک فرماندهی واحد را صادر نمود. در ۶ فوریه ۲۰۰۶ دولت بوش ایجاد یک فرماندهی رزمی واحد، موسوم به فرماندهی آمریکا در آفریقا^{۱۹} به منظور ارتقای اهداف امنیت ملی این کشور در قاره آفریقا و آب های محیطی آن را اعلام نمود (Ploch, Fas, 2011). قبل از ایجاد فرماندهی واحد آمریکا در آفریقا، حضور نظامی این کشور در این قاره بین سه فرماندهی تقسیم شده بود: فرماندهی اروپایی آمریکا^{۲۰}، فرماندهی مرکزی آمریکا^{۲۱} و فرماندهی اقیانوس آرام آمریکا^{۲۲}. حوزه مسئولیت این فرماندهی دربرگیرنده تمامی کشورهای آفریقایی به غیر از کشور مصر می باشد. این فرماندهی در اول اکتبر ۲۰۰۷ به عنوان زیر مجموعه فرماندهی اروپایی آمریکا تاسیس شد و در اول اکتبر ۲۰۰۸ به عنوان تنها نهاد دائمی مشغول به فعالیت گردید. کشور جیبوتی در شرق آفریقا، میزبان "نیروی واکنش سریع شاخ آفریقا"^{۲۳} بوده و شامل ۴۵۰۰ نفر متشکل از یگان نیروهای ویژه تفنگداران دریایی، هواپیماهای جنگنده و بالگرد هست که طی یک قرارداد ۵ ساله که در سال ۲۰۰۷ امضاء شد، در

19. AFRICOM

20. EUCOM

21. CENTCOM

22. PACOM

23. Combined Joint Task Force-Horn of Africa (CJTF-HOA)

محوطه‌ای به مساحت ۵۰۰ هکتار به نام "کمپ لمونیر"^{۲۴} مستقر شد. این مقر تبدیل به مرکزی برای انجام عملیات های هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در کشورهای یمن و سومالی گردیده است. علاوه بر این، سه مرکز عملیات اضطراری دائمی - یکی در پایگاه دریایی کنیا در خلیج ماندا و دو پایگاه در هورسو و بیلاته در اتیوپی - نیز تأسیس کرده که از آنها برای حمله به سومالی استفاده شده است.

صادرات نفت آفریقا به آمریکا تقریباً برابر میزان واردات نفت آمریکا از خاورمیانه می باشد که نشان دهنده اهمیت راهبردی قاره آفریقا برای این کشور است. کشور نیجریه در غرب آفریقا بزرگترین تامین کننده نفت این قاره و پنجمین تامین کننده جهانی نفت آمریکاست به گونه ای که بیش از ۴۰ درصد صادرات نفتی آن به آمریکا می باشد. بروز بی ثباتی در منطقه دلتای نیجریه باعث کاهش ۲۵ درصدی تولید نفت شده و قیمت نفت نیز به دلیل تحولات سیاسی نیجریه و حملات پراکنده به خطوط نفت در منطقه دلتا دستخوش تغییراتی گردید. جورج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا در سال ۲۰۰۶ طی سخنانی از برنامه دولت آمریکا برای جایگزینی بیش از ۷۵ درصد از واردات نفت این کشور از خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵ خبر داد (The White House, hsd, 2006). به دنبال افزایش روابط اقتصادی با آفریقای زیر صحرا، میزان تجارت بین آمریکا و آفریقا از سال ۱۹۹۰ تاکنون سه برابر شده است. در سال ۲۰۰۰ دولت کلینتون اقدام به ارائه طرح جامع سیاست تجاری و سرمایه گذاری آمریکا در آفریقا با عنوان "پیمان رشد و فرصت آفریقایی" (آگوا) نمود. این قانون از سال ۱۹۹۱ تاکنون، مشوق هایی را برای کشورهای آفریقایی جهت دنبال نمودن اصلاحات و باز نمودن اقتصادهایشان ارائه نموده است (Stiglitz, ft, 2014). منابع طبیعی به ویژه انرژی در زمره واردات عمده از آفریقا در لوای قانون آگوا قرار دارند.

۵-۲- راهبرد جدید ایالات متحده آمریکا در آفریقا

کاخ سفید در تاریخ ۱۴ جون ۲۰۱۲ "استراتژی جدید آمریکا در قبال آفریقای زیر صحرا" را که به منزله ایجاد یک چشم انداز فعال و پیشرو مبتنی بر همکاری می باشد، ارائه نمود. این استراتژی جدید، دارای چهار هدف به شرح ذیل است که آمریکا را متعهد می نماید تمام تلاشش را برای تحقق دو هدف اول از مجموع چهار هدف مذکور یعنی: تقویت نهادهای دموکراتیک، و تشویق رشد اقتصادی، تجارت و سرمایه گذاری بکار گرفته و افزایش دهد. اهداف چهارگانه استراتژی جدید آمریکا در آفریقای زیر صحرا عبارتند از:

²⁴. Camp Lemonnier

²⁵. African Growth and Opportunity Act (AGOA)

۵-۲-۱- تقویت نهادهای دموکراتیک: این استراتژی، آمریکا را متعهد می نماید تا به منظور پیشبرد دموکراسی، از طریق تقویت و حمایت از نهادهای مرتبط در تمامی سطوح، ایجاد آرمانهایی در سراسر قاره برای حکمرانی بازتر و پاسخگوتر، ترویج حقوق بشر و حاکمیت قانون، و به چالش کشیدن رهبرانی که اقداماتشان اعتبار رویه های دموکراتیک را تهدید می کند، اقدام نماید. اوباما در سفری که به کشور غنا داشت، عنوان کرد: "آفریقا نیاز به انسان های قوی ندارد (بلکه) نیازمند نهادهای قدرتمند است" (The White House Office of the Press Secretary, hsd1, 2012). با وجود اینکه رهبران برخی کشورها همچنان به حضور طولانی مدت خود در مسند قدرت ادامه می دهند اما بررسی های موسسه نظر سنجی "خانه آزادی"^{۲۶} نشان می دهد که میزان "کشورهای تقریباً آزاد" در منطقه زیرصحرای بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ از ۴۳ درصد به فقط ۴۷ درصد افزایش یافته و برگزاری دوره ای انتخابات نیز منجر به توسعه دموکراسی در سراسر قاره آفریقا شده است (Brookings, 2013 Schneidman).

۵-۲-۲- تشویق رشد اقتصادی، تجارت و سرمایه گذاری: استراتژی جدید از طریق تمرکز بیشتر، حضور فعالتر و بکارگیری منابع اضافه تر، آمریکا را متعهد به ایجاد رشد اقتصادی از طریق افزایش تجارت و سرمایه گذاری در منطقه آفریقای زیرصحرای می نماید. آمریکا محیط مناسبی را برای تجارت و سرمایه گذاری فراهم خواهد ساخت؛ حکمرانی اقتصادی مطلوب را بهبود می بخشد؛ همگرایی منطقه ای را ترویج و تشویق می نماید؛ ظرفیت کشورهای آفریقای را برای دسترسی موثر و بهره مندی از بازارهای جهانی توسعه می بخشد؛ و در نهایت، به تشویق شرکت های آمریکایی برای تجارت و سرمایه گذاری در آفریقا می پردازد.

۵-۲-۳- پیشبرد صلح و امنیت: این استراتژی، از آمریکا می خواهد تا با تعمیق همکاری امنیتی اش با کشورهای آفریقای و سازمانهای منطقه ای، نسبت به برآورده ساختن نیازهای اساسی امنیتی مردمانشان اقدام نماید. فقط حکومت های آفریقای و مردم آنها هستند که می توانند چالشهای امنیتی و اختلافات داخلی را که باعث بروز مصیبت در قاره شده اند، بطور دائمی حل و فصل نمایند در حالی که دولت آمریکا تنها می تواند تغییرات مثبتی را در این زمینه ایجاد کند.

۵-۲-۴- ایجاد فرصت و توسعه: تلاشهای توسعه ای آمریکا در هیچ جای جهان به اندازه آفریقا، نقش محوری در فعالیتهایش ندارد. در این استراتژی آمده است: "ما به تلاشهایمان برای تمرکز بر نتایج توسعه پایدار و مدل عملیاتی

26. Freedom House

جدید برای ارابه کمکهای توسعه ای آمریکا که در سیاست توسعه جهانی ۲۰۱۱ ریاست جمهوری مورد اشاره قرار گرفته است، ادامه خواهیم داد."

در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸ نیز دولت دونالد ترامپ سیاست آفریقایی مبتنی بر اولویت و همکاری در قاره آفریقا که متشکل از سه اصل: ایجاد رفاه از طریق توسعه ارتباطات تجاری و بازرگانی آمریکا با کشورهای منطقه، ایجاد امنیت از طریق مبارزه با تروریسم اسلامی تندرو و منازعات خشونت آمیز، و ایجاد ثبات از طریق کمک های خارجی بود را اعلام کرد (Schneidman and Signé, Brookings, 2018).

۵-۳- نگرانی ایالات متحده آمریکا از نفوذ چین در آفریقا

در دوران جنگ سرد و از اوایل دهه ۱۹۷۰ روابط چین و آمریکا بر پایه همکاری استراتژیک شکل گرفت که عامل اصلی آن، سیاست جهانی شوروی سابق بود. چین از منظر ایالات متحده آمریکا کشوری فقیر، عقب مانده و یکی از پایگاه های کمونیسم محسوب می شد اما از ارزش استراتژیکی فراوانی برای مقابله با شوروی برخوردار بود. آمریکا نیز از منظر چین، علیرغم اینکه تهدیدی علیه امنیت ملی این کشور بشمار می رفت اما تنها گزینه ممکن و مطلوب برای برقراری موازنه در برابر تهدید شوروی محسوب می شد. با پایان جنگ سرد و تلاش دولت چین برای حضور فعال در عرصه بین المللی، قاره آفریقا به عنوان یکی از مقاصد اهداف سیاست خارجی جدید این کشور در دستورکار دولتمردان چینی قرار گرفت. نفوذ و ارتباط روز افزون چین با قاره آفریقا طی چند سال اخیر در حوزه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی باعث افزایش نگرانی هایی برای آمریکا شده است که به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرند:

۵-۳-۱- حوزه صلح و امنیت آفریقا:

تلاشهای چین برای افزایش حضور راهبردی در منطقه شرق آفریقا باعث بروز نگرانیهای جدی برای آینده یکی از پایگاه های کلیدی جمع آوری اطلاعات آمریکا در منطقه علیه گروه های اسلامی و القاعده شده است. به دنبال انتقاد کنگره آمریکا از رهبری مستبدانه رئیس جمهور جیبوتی، این کشور تصمیم گرفت تا رایزنی هایی را با چین برای ایجاد یک ائتلاف راهبردی در دستورکار قرار دهد. بر همین اساس، دولت جیبوتی اقدام به سرمایه گذاری ۱۸۵ میلیون دلاری در بندر راهبردی جیبوتی که در مجاورت کمپ لمونیر قرار دارد، نمود (telegraph, 2015 Con Coughli). نگرانیهای جدید پنتاگون درخصوص تعمیق فعالیتهای تجاری چین در جیبوتی، به معنای این است که واشنگتن مجبور خواهد شد تا عملیتهای حساس جمع آوری اطلاعات خود را به مناطق امن تری در خارج از جیبوتی منتقل نماید تا از اقدامات مداخله گرایانه چین محافظت نماید. با این وجود، همکاری چین - غرب در کشورهای آفریقایی، فرصت های بزرگی را

به ویژه در حوزه عملیات های حفظ صلح و امنیت در برخواهد داشت. علاوه براین، چین در حال افزایش حضور و همکاری نظامی با نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد و (همچنین) در مبارزه با دزدی دریایی می باشد (Sun and Olin-Ammentorp, Brookings, 2014).

۵-۳-۲- حوزه تجارت و انرژی آفریقا

در سالهای اخیر، ایالات متحده آمریکا و چین در تلاش برای نفوذ اقتصادی در قاره آفریقا به عنوان منطقه ای هستند که رشد اقتصادی بالایی را تجربه می کند و فرصتهای بسیاری را برای سرمایه گذاری ارائه می نماید. دولت و شرکتهای بازرگانی چین سه دلیل مهم اقتصادی را برای حضور در قاره آفریقا بر می شمارند: وجود کشورهایی با منابع طبیعی فراوان، وجود بازاری نسبتاً بکر و بزرگ برای صادرات تولیدات چینی و فرصتی استثنایی برای سرمایه گذاری شرکتهای چینی با هدف اشتغال زایی و کسب تجربه جهت حضور فعال در اقتصاد جهانی. در واقع، سرمایه گذاری چین در آفریقا، جزئی از راهبرد "جهانی باش" پکن است که سرمایه گذاری خارجی و حضور تجاری را تشویق می کند. اولویت اول یعنی واردات منابع طبیعی در دستور کار اصلی تمامی شرکتهای و مؤسسات فعال چینی در آفریقا است. این منابع طبیعی توانسته پایه ۹۰ درصد صادرات چین به کشورهای صنعتی را به خود اختصاص دهد. طی ده سال گذشته با وجود اینکه چین میزان کمتری از نفت آفریقا را در مقایسه با آمریکا یا اتحادیه اروپا وارد کرده ولی از لحاظ تراز تجاری و صادرات توانسته سهم بیشتری را نسبت به دیگر کشورها داشته باشد. برای نخستین بار، اجلاس آمریکا - آفریقا با موضوع "سرمایه گذاری در نسل بعدی"^{۲۷} از ۴ الی ۶ آگوست ۲۰۱۴ با حضور باراک اوباما رئیس جمهوری وقت آمریکا و سران ۵۰ کشور آفریقایی در واشنگتن برگزار شد (Collinson, cgdev, 2014). در کنار حضور سران کشورهای آفریقایی، صدها مدیر شرکتهای تجاری آمریکایی و آفریقایی شامل: مدیران ارشد جنرال الکتریک، کوکاکولا، وال مارت و میلیاردرهای آفریقایی همچون: مو ابراهیم سرمایه دار عمده مخابرات، آشیش ذاکار موسس شرکت فناوری "مارا" گروه^{۲۸} شرکت نموده بودند (The Telegraph, August 5, 2014). این نشست سه روزه با هدف گسترش روابط واشنگتن با کشورهای آفریقایی و جلوگیری از نفوذ فزاینده چین در این قاره بود. در واقع، این اجلاس ابتکاری در مقابل اجلاسهای "مجمع همکاری چین - آفریقا" بود که توانسته نقش مهم و کارآمدی را در افزایش چشمگیر میزان تجارت بین چین و آفریقا ایفاء نماید. همزمان، این اجلاس به برجسته نمودن میزان تعهدات آمریکا به قاره آفریقا، پیشبرد

27. "Investing in the Next Generation"

28. Mara Group

اولویت های مشترک و ایجاد رایزنی های تفکرات مختلف با هدف تعمیق مشارکت طرفین پرداخت. در این اجلاس موضوعاتی همچون سرمایه‌گذاری، تجارت، وضعیت سیاسی و امنیتی کشورهای آفریقایی و نحوه مقابله با ویروس ابولا مطرح گردید. اوباما پیش از آغاز این اجلاس گفت: "اهمیت آفریقا برای آمریکا باید درک شود. آفریقا در حال رشد است و می‌توان در آنجا بازارهای پر رونق، کارآفرینان و افراد بسیار با استعدادی را یافت." اوباما در حالی اعتبار ۱۴ میلیارد دلاری را برای سرمایه‌گذاری شرکتهای آمریکایی در بخش های ساخت و ساز، تولید محصول، انرژی و فناوری آفریقا مطرح نمود که دولت چین اعتبار ۷۵ میلیارد دلاری را برای سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ اختصاص داده بود (Dickey, the diplomat, 2014). این اجلاس، یک سال پس از سفر باراک اوباما به قاره آفریقا شکل گرفت و در شرایطی برگزار شد که چین در زمینه تجارت و دیپلماسی در آفریقا از آمریکا پیشی گرفته بود. چین توانست در سال ۲۰۰۹ این کشور را پشت سر گذاشته و به بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقا تبدیل شود. اقدامات چین برای استخراج نفت در منطقه غرب آفریقا نه تنها هژمونی اقتصاد آمریکا را در این قاره به چالش کشید بلکه منافع این کشور را نیز مورد تهدید جدی قرار داده است. اسناد موجود نشان می‌دهد که آمریکا ضمن تلاش بسیار برای افزایش فعالیتهای خود در منطقه غرب آفریقا، در صدد مقابله با نفوذ چین بوده و خواهان جلوگیری از احاطه بر استخراج (منابع) نفتی این منطقه توسط چین می‌باشد (سام رافائل و داف استوکز، ۱۳۹۱: ۲۹). با این وجود، مقامات آمریکا تمایل دارند بین سرمایه‌گذاری این کشور و چین در آفریقا تمایز قائل شوند. آنها معتقدند چین به منظور رسیدن به اهداف خود در استخراج منابع از آفریقا سرمایه‌گذاری کرده است و نه برای تقویت ظرفیت این قاره و ایجاد روابط اقتصادی بلند مدت. بن رودز، معاون مشاور امنیت ملی اوباما، می‌گوید: "ما برای آفریقا چیزهای منحصر به فردی را به ارمغان می‌آوریم. ما بیشتر بر تعمیق تجارت و روابط سرمایه‌گذاری تمرکز خواهیم کرد و تمرکز کمتری بر منابع آفریقا خواهیم داشت."

۳-۳-۵- حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم در آفریقا

قاره آفریقا مدت زمان زیادی است که از جریان عظیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^{۲۹} چین بهره می‌برد. تخمین زده می‌شود که بیش از ۱۶ میلیارد دلار از دارائی های مربوط به سرمایه‌گذاری های مستقیم خارجی چین در جهان، در قاره آفریقا وجود داشته باشد که با افزایش از ۳۹۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به ۲,۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ بالغ گردیده است (kwm, 2015 Parkes). چین با هدف تسهیل همکاریها در زمینه سرمایه‌گذاری و همچنین جریان بخشیدن سریع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این قاره، اقدام به امضای موافقتنامه هایی با کشورهای آفریقایی نموده است. چنین موافقتنامه هایی منجر به اجرای طرح های عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آفریقا شده اند. بطور نمونه،

29. Foreign Direct Investment

سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در کشور تانزانیا با افزایش ۵۰ درصدی بالغ بر ۵ میلیارد دلار گردید که متمرکز در بخش های انرژی و معدن می باشد. در نتیجه این امر، کشور تانزانیا به دنبال تبدیل شدن به صادر کننده گاز طبیعی مایع، تولیدات کشاورزی، محصولات معدنی و صنعتی است. دولت چین عنوان نموده که حاضر است اعتبار ۳٫۸ میلیارد دلاری مرحله اول ساخت خط آهن شرق آفریقا را تقبل نماید و در نوامبر سال ۲۰۱۴ نیز شرکت ساخت راه آهن چین موافقت نمود تا خط آهنی به طول ۱۴۰۰ کیلومتر را در کشور نیجریه احداث نماید که در زمره بزرگترین سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین می باشد. در مقابل، شاهد کاهش ۲۰ درصدی پروژه های سرمایه گذاری مستقیم خارجی آمریکا در آفریقا تا سال ۲۰۱۴ می باشیم. کمکهای آمریکا به آفریقا در دوره تصدی ریاست جمهوری اوباما در مقایسه با دوران ریاست جمهوری جورج بوش، از ۸٫۲۴ میلیارد دلار به ۷ میلیارد دلار کاهش یافته است (Auken, wsws, 2013). با این وجود، بعد از کشور انگلیس همچنان در رده دومین سرمایه گذار بزرگ باقی مانده است. دولت اوباما در آگوست سال ۲۰۱۴ اقدام به سرمایه گذاری ۷ میلیارد دلاری در قالب ابتکار تامین "برق آفریقا" با هدف دو برابر کردن دسترسی به برق در شش کشور آفریقایی و ارایه روشنایی برای ۶۰ میلیون خانه و صنایع تولیدی آفریقا از طریق منابع انرژی پاک مانند باد و خورشید نمود. رئیس جمهور آمریکا یک کمک اضافی ۳۰۰ میلیون دلاری را برای کمک به تضمین تولید ۳۰۰۰۰ مگاوات ظرفیت اضافی برای کشورهای اتیوپی، غنا، کنیا، لیبیا، نیجریه و تانزانیا وعده داد. شرکتهای آمریکایی نیز متعهد شدند تا مبلغ ۱۲ میلیارد دلار را برای حمایت از برنامه برق رسانی آفریقا اختصاص دهند. در آگوست سال ۲۰۱۴ دو تا از بزرگترین شرکت های خصوصی آمریکایی به نام های "بلک استون"^{۳۰} و "گروه کارلیل"^{۳۱} بطور جداگانه اقدام به مشارکت استراتژیک با "مجتمع صنعتی آفریقایی" موسوم به "صنایع داگنوت"^{۳۲} جهت سرمایه گذاری در کشورهای آفریقای زیر صحرا نمودند که این امر به معنای وجود منافع قابل توجه آمریکا در آفریقا می باشد. شرکت بلک استون و "مجتمع صنعتی آفریقایی" به صورت مشترک اقدام به سرمایه گذاری ۵ میلیارد دلاری برای مدت ۵ سال در پروژه های زیر ساختاری انرژی با تمرکز بر تولید برق، خطوط انتقال و لوله گذاری نفت نمودند. "مجتمع صنعتی آفریقایی" در سرمایه گذاری مشترک با شرکت آمریکایی کارلیل نیز در بخش نفت و گاز، ارایه خدمات مالی و تجارت محصولات کشاورزی متمرکز شدند.

30. Blackstone Group

31. Carlyle Group

32. Dangote Industries

نتیجه‌گیری

چین به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه سیاست، توسعه اقتصادی و امنیتی آفریقا مطرح می‌باشد و همچنان این روند رو به افزایش است. روابط رو به رشد چین و آفریقا از دهه ۱۹۹۰ تاکنون را می‌توان تحت تاثیر سه نیروی مهم پیش‌ران دانست که عبارتند از: مشوق‌های اقتصادی، نهادهای داخلی و بین‌المللی، و ملاحظات سیاسی. این کشور از لحاظ تاریخی، پیوندهای سیاسی و دیپلماتیک قوی را با دولت‌های آفریقایی در چارچوب بلند پروازی‌های ایدئولوژیک که ریشه در تفکر "ایجاد انسجام میان کشورهای جهان سوم" دارد، برقرار نموده است. با این وجود، از سال ۲۰۰۱ تاکنون، حضور چین در آفریقا به سرعت جنبه اقتصادی به خود گرفته و این کشور تلاش نموده تا از طریق تمرکز بر منابع طبیعی غنی، زمینه‌های کمک به رشد اقتصادی داخلی خودش را بیش از پیش مهیا سازد. از آنجایی که دیپلماسی تجاری چین و آفریقا متمرکز بر انجام سریع برنامه‌های توافق شده می‌باشد، مقامات سیاسی آفریقایی همکاری با این کشور را به عنوان مهمترین اقدام ممکن برای پرداختن به چالش‌های سه‌گانه قاره آفریقا یعنی: فقر، نابرابری و بیکاری می‌دانند. در مقابل حضور چین در این قاره که در زمینه‌های استخراج منابع طبیعی، توسعه زیرساخت‌ها و تولید می‌باشد، حضور آمریکا متمرکز بر حوزه تجارت فناوری‌های بالا، خدمات و سیاست کمک به ترویج دموکراسی، حکمرانی مطلوب و توسعه نیروی انسانی است. چین و آمریکا به عنوان دو قدرت جهانی علاقمند به توسعه حضور در آفریقا، تلاش نموده‌اند تا با تعریف راهبردهای مختلفی نسبت به تحقق اهداف مورد نظرشان در این قاره اقدام نمایند. از آنجایی که این دو کشور در تعریف و اجرای راهبردهایشان در آفریقا می‌بایستی رفتارهای یکدیگر را به دقت مورد توجه و کنکاش قرار داده تا زمینه‌های لازم را برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب جهت دستیابی به اهداف مد نظرشان فراهم سازند، در وضعیتی قرار گرفته‌اند که از آن به "وابستگی متقابل" نام برده می‌شود. بر اساس "نظریه وابستگی متقابل پیچیده"، چین و آمریکا در نتیجه رشد ارتباطات بین‌المللی بطور متقابل به همدیگر وابسته شده، نسبت به اقدامات یکدیگر در آفریقا آسیب‌پذیر گردیده و به نیازهای طرف مقابل در این قاره حساس شده‌اند. حضور بازیگران مختلف غیردولتی اعم از نخبگان، سازمان‌ها، بانکها و شرکتهای آمریکایی و چینی در آفریقا به موازات اولویت راهبردهای غیر نظامی همچون: راهبردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به منزله قرار گرفتن آنها در شرایط وابستگی متقابل پیچیده‌ای است که "همکاری" به عنوان یکی از نتایج اصلی آن مطرح می‌باشد. اقدامات توسعه‌ای گسترده دولت چین در آفریقا به ویژه در زمینه ایجاد زیرساخت‌های اساسی و بنیادین اقتصادی سبب شده تا هزینه‌های عملیاتی‌های تجاری کاهش یافته، وسعت بازارهای منطقه‌ای افزایش یابد و به تبع آن، زمینه‌های حضور و فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری شرکتهای آمریکایی که تا پیش از این به راحتی امکان‌پذیر نبود، بیش از پیش فراهم گردد. توسعه حضور

شرکتهای آمریکایی و سایر کشورهای غربی در این منطقه باعث انتقال دانش فنی و ورود سرمایه به کشورهای منطقه شده که نتیجه آن، ایجاد اشتغال، افزایش استانداردهای زندگی و کسب درآمدهای قابل توجه برای دولتهای آفریقایی بوده است. با بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش درآمد دولت‌های منطقه، زمینه بازگشت منابع مالی سرمایه گذاری شده دولت و شرکتهای چینی در این کشورها تضمین شده و سبب می شود تا عرصه های جدیدتری برای توسعه فعالیت آنها در این منطقه مهیا گردد. در نتیجه، حضور و توسعه فعالیت های تجاری دو طرف به یکدیگر وابسته می شود. علاوه براین، چین با هزینه نمودن برای ارتقای وضعیت اقتصادی کشورهای آفریقایی بطور ناخواسته به ایجاد و تقویت طبقه متوسطی که در بلند مدت به دنبال تحقق اهداف راهبردی مورد نظر آمریکا از جمله: ایجاد دموکراسی و حکمرانی مطلوب خواهند رفت، کمک شایانی نموده است. از طرف دیگر، دولت چین در قالب بازیگر "عقلانی" در شرایط وابستگی متقابل موجود تلاش نموده تا با بهره گیری از "مدل مطلوبیت انتظاری" نظریه بازی، نسبت به حداکثر نمودن منافع خود در منطقه اقدام کند. این کشور با "آگاهی" از حوزه های حساسیت برانگیز برای دولت آمریکا، از زمان ورود فعال به قاره آفریقا به ویژه آفریقای زیرصحرای در سال ۲۰۰۰ تلاش نموده تا اجرای راهبردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را به گونه ای تنظیم و هدایت نماید که در عین رقابت آمیز بودن، موجبات تحریک بازیگر رقیب را در منطقه فراهم نیاورد. چین و آمریکا به عنوان دو بازیگر عقلایی و با در نظر گرفتن "تعادل نش" در نظریه بازی، تلاش نموده اند در حوزه تجارت و سرمایه گذاری اقدام به انتخاب های مطلوبی برای اجرای بازی با حاصل جمع جبری غیر صفر نمایند تا ضمن پرهیز از هرگونه زیان احتمالی و برهم خوردن تعادل موجود، منافع طرفین نیز به بهترین نحو ممکن تامین گردد. فعالیت های چین و آمریکا در آفریقا متناقض یکدیگر نبوده و این موضوع مورد اذعان مقامات آمریکایی همچون جورج دبلیو بوش و باراک اوباما مبنی بر عدم پذیرش رقابت با حاصل جمع جبری صفر و اشنگتن و پکن بر سر دست یابی به منابع و تاثیرگذاری در این منطقه نیز قرار گرفته است. در نتیجه، حضور و فعالیت های اقتصادی چین یک تهدید استراتژیک برای منافع آمریکا در آفریقا به حساب نمی آید اما تصمیم اخیر چین برای ورود به حوزه مسایل امنیتی آفریقا باعث بروز نگرانی های جدی برای دولتمردان آمریکایی شده است.

منابع و ماخذ

- ۱- اگونسالوو، آلابا (۱۳۷۰)، *سیاست چین در آفریقا (۱۹۷۱-۱۹۵۸)*، ترجمه گیتی خورسند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲- اسلامی، سعید (۱۳۹۳)، "چین: از دره اشک‌ها تا سرمایه‌داری اقتدارگرا"، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، سال اول، شماره اول.
- ۳- بخشی، احمد (۱۳۸۸)، "بررسی سیر تحول روابط خارجی چین و آفریقا"، *پژوهشنامه آفریقا*، سال اول، شماره ۳.
- ۴- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵)، *نظریه های روابط بین الملل*، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات ماجد.
- ۵- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، *نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن*، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- طاهرنژاد، امید (۱۳۹۴)، "دیپلماسی انرژی جمهوری خلق چین"، اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در آدرس زیر:
<http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items-6/> - *دیپلماسی - انرژی - جمهوری - خلق*
- ۷- موسوی شفایی، مسعود و دیگران (۱۳۹۳)، "دیپلماسی اقتصادی و قدرت‌یابی چین در عرصه جهانی"، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، دوره ۱، شماره ۲.
- ۸- قویدل، مهدی (۱۳۸۵)، "نفوذ چین در آفریقا"، *فصلنامه مطالعات آفریقا*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۴.
- ۹- رافائل، سام و داف استوکز (۱۳۹۱)، *امنیت انرژی آمریکا در غرب آفریقا*، ترجمه محمد حسن ایپکچی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۸۳۷.
- ۱۰- رضائی بونش، فرزاد (۱۳۹۳)، "نگاه آفریقایی چین"، قابل دسترسی در آدرس زیر:
<http://www.iras.ir/fa/doc/note/431/> - *نگاه - آفریقایی - چین*

Auken, B., V. (2013), "Obama in Africa to defend US strategic and profit interests", Accessed on October 2, 2016, Available at: <https://www.wsws.org/en/articles/2013/06/28/afri-j28.html>

Brandt, L., & Thomas, G., R. (2008), "China's Great Economic Transformation", Cambridge: Cambridge University Press.

- Chen, W., David, D., & Heiwai, T. (2015), "How similar is Chinese investment in Africa to the West's?", Accessed on November 10 , 2016, Available at: [http:// www. brookings. Edu /blogs /order-from-chaos/posts /2015/08/18-chinese-investment-africa-chen-dollar-tang](http://www.brookings.edu/blogs/order-from-chaos/posts/2015/08/18-chinese-investment-africa-chen-dollar-tang)
- Collinson, E. (2014), "The 2014 US-Africa Leaders' Summit by the Numbers", Accessed on September 20 , 2016, Available at: [https:// www. Cgdev .org /blog /2014-us-africa-leaders-summit-numbers](https://www.cgdev.org/blog/2014-us-africa-leaders-summit-numbers)
- Cooke, J., G. (2009), 'China's Soft Power in Africa', in Chinese Soft Power and Its Implications for the United States, Accessed on May 12 , 2016, Available at: http://csis.org/files/media/isis/pubs/090310_chinesesoftware_chap3.pdf
- Coons, C. (2013), "Rapid African growth forcing a re-think in U.S. – Africa trade relations", Accessed on June 18 , 2016, Available at: <http://www.thehabarinetwork.com/rapid-african-growth-forcing-a-re-think-in-u-s-africa-trade-relations>
- Coughli, C. (2015), "China deal threatens only American military base in Africa", Accessed on October 10 , 2017, Available at: [http://www. Telegraph .co. uk/ news /worldnews/africaandindianocean/djibouti/11752759/China-deal-threatens-only-American-military-base-in-Africa.html](http://www.Telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/djibouti/11752759/China-deal-threatens-only-American-military-base-in-Africa.html)
- Dickey, Lauren(2014), "China and the US Compete for Influence in Africa", Accessed on April 2 , 2017, Available at: <http://thediplomat.com/2014/08/china-and-the-us-compete-for-influence-in-africa/>
- Dutta, M. (2006), "China's Industrial Revolution and Economic Presence", London: World Scientific publishing Co.
- Finighan, A. (2014), "China in Africa: investment or exploitation?", Accessed on May 20 , 2017, Available at: <https://www.aljazeera.com/programmes/insidestory/2014/05/china-africa-investment-exploitation-201454154158396626.html>
- French, H., W. (2004), "China Moves Toward Another West: Central Asia", New York Times.
- Friedman, T., L. (2005), "Thou Shalt Not Destroy the Centre", New York Times.
- Gang, L. (2015), "Welcome to the 4th China Africa Industrial Forum 2015", Accessed on January 18 , 2016, Available at: [http://gh2 .mofcom .gov. cn /article /chinafair /201509/20150901123000.shtml](http://gh2.mofcom.gov.cn/article/chinafair/201509/20150901123000.shtml)
- Gill, B., & Yanzhong, H. (2006), "Sources , Limits of Chinese "soft Power", *Survival*, 48(2).
- Hanauer, L., & Lyle, J., M. (2013), "CHINA IN AFRICA Implications of a Deepening Relationship", Accessed on April 14 , 2016, Available at: [https://www. rand. Org /pubs/research_briefs/RB9760.html](https://www.rand.org/pubs/research_briefs/RB9760.html)
- Hooghe, I. (2007), "The Rise of china's Public Diplomacy", The Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael, *Clingendael Diplomacy Papers*, No. 12.
- Jianbo, L. & Zhang, X. (2009), "China's African Policy and its Soft Power", in Ante Podium, *online Journal of World Affairs*, Victoria University of Wellington, Accessed on April 14 , 2016, Available at: <http://www.victoria.ac.nz/atp/articles/pdf/JianboXiaomin-2009.pdf>

- Jie, L. (2005), “Chinese Tourists Flocking Overseas”, *China Daily*.
- Kaplan, R. (1998), ‘Sometimes, Autocracy Breeds Freedom’, *New York Times*.
- Keohane & Nye (1977), *Power & Interdependence*, (4th Edition), Longman Classics in Political Science.
- Kohut, A. (2007), “How the World Sees China”, Accessed on September 19, 2017, Available at: <http://www.pewglobal.org/2007/12/11/how-the-world-sees-china/>
- Laughlin, A., Mc., & Ryan, T. (2005), ‘Africa Looks East for Political Role Models’, *Christian Science Monitor*.
- Lawson, L. (2007), “U.S. Africa Policy Since the Cold War”, *Strategic Insights*, Vol. VI, Issue 1.
- Leblond, P., & Christine, H. (2013), “Understanding the Drivers of China’s Economic Engagement in Africa”, *Graduate School of Public and International Affairs*, University of Ottawa, Accessed on February 19, 2017, Available at: <https://www.ruor.uottawa.ca/bitstream/10393/30518/1/HAN,%20Yue%2020139.pdf>
- Muckalia, D., J. (2004), ‘Africa and China’s Strategic Partnership’, *African Security Review*, 13(1).
- Parkes, D. (2015), “Overview of Foreign Direct Investment in Africa”, Accessed on June 18, 2017, Available at: <http://www.kwm.com/en/de/knowledge/insights/overview-of-foreign-direct-investment-in-africa-20150316>
- Perlez, J. (2004), ‘Chinese Move to Eclipse U.S. Appeal in South Asia’, *New York Times*.
- Ploch, L. (2008), “Africa Command: U.S. Strategic Interests and the Role of the U.S. Military in Africa”, Washington, DC: *Congressional Research Service*, Accessed on July 20, 2017, Available at: <http://fpc.state.gov/documents/organization/104287.pdf>
- Ploch, L. (2011), ‘Africa Command: U.S. Strategic Interests and the Role of the U.S. Military in Africa’, *Congressional Research Service*, 7-5700, Accessed on October 15, 2016, Available at: <https://www.fas.org/sgp/crs/natsec/RL34003.pdf>
- Ramo, J., C. (2004), “*The Beijing Consensus*”, London: Foreign Policy Centre.
- Rosecrance, R., & Arthur, S. (1973), *Interdependence: Myth or Reality*, *World Politics*, 26(1), Cambridge University Press.
- Schneidman, W. (2013), “Transforming the U.S.-Africa Commercial Relationship”, Accessed on May 19, 2016, Available at: <http://www.brookings.edu/research/reports/2013/04/us-africa-commercial-relationship-schneidman>
- Schneidman, W., & Landry, S. (2018), “*The Trump administration’s Africa strategy: Primacy or partnership?*”, Accessed on January 10, 2019, Available at: <https://www.Brookings.edu/blog/africa-in-focus/2018/12/20/the-trump-administrations-africa-strategy-primacy-or-partnership/>
- Shaohui, T. (2015), ‘*China-Africa Think Tanks Forum kicks off in South Africa*’, Accessed on September 19, 2016, Available at: http://www.xinhuanet.com/english/2015-09/09/c_134607574.htm
- Sheridan, G. (2005), “Chinese Model Passes the Test”, *The Australian*.

- Shinn, D. (2009),” China’s Engagement in Africa”, in *Africa Policy in the Bush Years*, ed.J.Stephen Morrison and Jennifer G.Cook (Washington,D.C: CSIS)
- Speed, P., A., & Ronald, D. (2011), *China, Oil and Global Politics*, London & New York: Routledge.
- Stiglitz, J. (2014), “A New American Strategy for Business in Africa”, Accessed on June 21 , 2016, Available at: [http://www.ft.com/ cms/s/0/5ea74b42-1ae9-11e4-a633-00144feabdc0.html#axzz3u09LhH78](http://www.ft.com/cms/s/0/5ea74b42-1ae9-11e4-a633-00144feabdc0.html#axzz3u09LhH78)
- Sun, Y. (2013), “China in Africa: Implications for U.S. Competition and Diplomacy”, at: ‘*Top Five Reasons Africa Should Be a Priority for the United States*’, Accessed on June 22 , 2016, Available at: http://www.brookings.edu/~media/Research/Files/Reports/2013/04/africa%20priority%20united%20states/04_africa_priority_united_states.pdf
- Sun, Y., & Jane, O-A. (2014),“The US and China in Africa: Competition or Cooperation?”, Accessed on July 18 , 2016, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/africa-in-focus/posts/2014/04/28-us-china-africa-policy-sun>
- Sun, Y. (2014),”China’s Aid to Africa: Monster or Messiah?”, Accessed on June 28, 2016, Available at: http://www.brookings.edu/research/opinions/2014/02/07-china-aid-to-africa-sun#_ftn3
- Sun, Y. (2014), ”Africa in China’s New Foreign Aid White Paper”, Accessed on September 6 , 2016, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/africa-in-focus/posts/2014/07/16-africa-china-foreign-aid-sun>
- Sun, Y. (2015),”China-Africa Think Tanks Forum: China broadens soft power campaigns in Africa”, Accessed on September 8 , 2017, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/africa-in-focus/posts/2015/10/01-china-africa-think-tank-forum-sun>
- Sun,Y. (2015),”Xi and the 6th Forum on China-Africa Cooperation: Major commitments, but with questions”, Accessed on November 12 , 2017, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/africa-in-focus/posts/2015/12/07-china-africa-focac-investment-economy-sun>
- Sun, Y. (2018) , “Foresight Africa viewpoint – China’s engagement in Africa: What can we learn in 2018 from the \$60 billion commitment?”, Accessed on March 15 , 2018, Available at:<https://www.brookings.edu/blog/africa-in-focus/2018/01/30/foresight-africa-viewpoint-chinas-engagement-in-africa-what-can-we-learn-in-2018-from-the-60-billion-commitment/>
- Sutter, R. (2003-2004),” Why Does China Matter’, *The Washington Quarterly*, 7(1).
- Taylor, I. (2006), “China's Oil Diplomacy in Africa”, *The International Affairs*, 82 (5).
- Thompson, D. (2005), “CHINA’S SOFT POWER IN AFRICA: FROM THE ‘BEIJING CONSENSUS’ TO HEALTH DIPLOMACY”, *China Brief*, 5(21).

- Ting'en, Lu. & Peng, K. (1995), *General History of Africa: Modern Times*, Huadong Normal University Press (Shanghai)
- Vines, A., & Indira, C. (2008), "Angola and China: A Pragmatic Partnership", in *U.S.-China Engagement in Africa*, ed. Jennifer Cooke (Washington, D.D: CSIS)
- Wekesa, B. (2015), "FOCAC comes to Johannesburg: How will it be different? ", Accessed on September 20 , 2017, Available at: <http://china-africa-reporting.co.za/2015/09/focac-comes-to-johannesburg-how-will-it-be-different-focac-watch-1/#sthash.fChietpT.CNIAz3rs.dpuf>
- Yuch, L. (2012), "China's 'Going Out, Bringing In' Policy: The Geo-Economics of China's Rise", Presented at a New Era of Geo-economics: Assessing the Interplay of Economics and Political Risk, *International Institute of Strategic Studies (IISS) Seminar*.
- ZHIMIN, C. (2015), "Johannesburg Summit of FOCAC 2015 will deepen Sino-African cooperation", Accessed on October 17 , 2017, Available at: <http://www.Newtimes.co.rw/section/article/2015-11-28/194789/>
- Zuma, N., D. (2015), "Second Forum on China-Africa Cooperation (FOCAC) Summit, *The Sandton Convention Centre*, Johannesburg, South Africa", Accessed on October 18 , 2017, Available at: <https://au.int/fr/node/19397&http://www.au.int/en/newsevents/19397/second-forum-china-africa-cooperation-focac-summit-sandton-convention-centre#sthash.10aP33gu.dpuf>
- , All Africa (2015), "China to roll out new measures to boost China-Africa cooperation: official", Accessed on September 15 , 2018, Available at: https://allafrica.com/stories/201512031183.html&http://www.focac.org/eng/ltada/dwjbzjyhys_1/t1320842.htm
- , **China-Africa Cooperation Net** (2013), "The Third China-Africa Industrial Cooperation and Development Forum", China-Africa Industrial Cooperation and Development Forum Secretariat, Accessed on September 15 , 2018, Available at <http://www.zfhz.org/pluses/view.php?aid=5295>
- , **China-Africa Cooperation Net**(2015), "CAIF released African Industrial Advance Index (AIA Index) 2015", Accessed on September 15 , 2018, Available at: <http://www.zfhz.org/plus/view.php?aid=12630>
- , **China Daily** (2015), "China-Africa trade approaches \$300 billion in 2015", Accessed on July 8 , 2017, Available at: http://www.chinadaily.com.cn/business/2015-11/10/content_22417707.htm
- , **INTERNATIONAL MONETARY FUND** (2018), "SUB-SAHARAN AFRICA: Regional Economic Outlook: Domestic Revenue Mobilization and Private Investment", Accessed on December 31, 2018. Available at: <https://www.imf.org/en/Publications/REO/SSA/Issues/2018/04/30/sreo0518>

- , **New vision**(2014), “China-Africa trade surpassed \$200 billion in 2013”, Accessed on June 18 , 2017, Available at: [https:// www .newvision .co. ug /new_ vision /news/1 338016/china-africa-trade-surpassed-usd200-billion-2013](https://www.newvision.co.ug/new_vision/news/1338016/china-africa-trade-surpassed-usd200-billion-2013)
- , **Senate Committee on Foreign Relations** (2008), “China’s Foreign Policy and “Soft Power” in South America, Asia, and Africa”, report prepared by Congressional Research Service, Library on Congress, 110th Congress, 2nd session, Committee Print no.110-146.
- , **The Economist** (2006), “No Time Like the Present”, Survey of China.
- , **The Telegraph**(2014), “Barack Obama announces \$33bn in Africa investment”, Accessed on April 22 , 2017, Available at: [https://www .telegra ph.co.uk/ news/w orldnews/n orthamerica/u sa/11015090/Barack-Obama-announces-33bn-in-Africa-investment.html](https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/northamerica/us/11015090/Barack-Obama-announces-33bn-in-Africa-investment.html)
- , **The White House Office of the Press Secretary**(2012), “Fact Sheet: The New Strategy Toward Sub-Saharan Africa” , Accessed on November 7 , 2017, Available at: <https://www.hsdl.org/?view&did=713126>
- , **The White House**(2006), “President Delivers State of the Union Address” , Accessed on June 15 , 2017, Available at:<https://www.hsdl.org/c/president-bush-delivers-2006-state-of-the-union-address-transcript-available-here/>
- , **United Nations**(1958),’No.4307: India and People’s Republic of China’, United Nations Treaty Series, Vol.299.
- , **Xinhua News Agency**(2011), China’s Foreign Aid’, Accessed on September 19 , 2018, Available at: [http://news.xinhuanet.com /english2010 /china/2011-04/21/ c_13839683_6.htm](http://news.xinhuanet.com/english2010/china/2011-04/21/c_13839683_6.htm).
- , **WITS Journalism**(2015),“Africa-China Reporting Project: FOCAC Themed Grants 2015”, University of the Witwatersrand in Johannesburg, Accessed on July 20 , 2018, Available at: <http://china-africa-reporting.co.za/focac-themed-grants-2015/>

China's economic presence in Africa and the areas of competition with the United States

Mohammad Javad Hosseini, Ardeshir Sanaie

Received:2019.1.22

Accepted:2019.8.14

Abstract

Africa with many abundant political and economic capacities, has succeeded to attract the attentions of Chinese elites who placed their policy priorities on promotion of economic power as the centerpiece of their national power. The political, security and economic importance of Africa especially the concern for development of extremist violent activities and existence of threats including: Piracy, Human trafficking, provided the ground for the US to adopt a new strategy towards the continent. The purpose of this article is to examine the activities of China and areas of competition with the US in Africa. The main question: How has China's economic presence on the continent of Africa influenced the interests, goals and areas of American activities in the continent? and the research hypothesis is: China's expansion in Africa during the new century, along with the priority of non-military strategies on both sides on the continent, have caused the US and China's two-way vulnerability and susceptibility toward each other policies in Africa which drives Washington and Beijing towards cooperation and avoidance of any destructive competition. This research was conducted using a descriptive-analytical method.

Keywords: China, Africa, America, competition, economic interests